

مقاله پژوهشی

پیامدهای امنیتی استقلال اقلیم کردستان عراق بر

مناطق مرزی غرب کشور

حنانه درشتی^۱، علیرضا نجفی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹

چکیده: امنیت ملی هرکشوری تابعی از مجموعه تحولات داخلی و تحرکات حادث محیط امنیتی آن کشور است. مسئله کردها و وقایع مربوط به آنها یکی از مسائل مهم سیاسی خاورمیانه است. مساله اساسی محقق در این تحقیق آن است که اثرگذارترین سناریوهای پیامدهای امنیتی اقلیم کردستان عراق بر مناطق مرزی غرب کشور را برای بازه زمانی ۵ ساله چه سناریویی می‌باشد بر همین اساس هدف اصلی این پژوهش طراحی سناریوهای پیامدهای استقلال امنیتی اقلیم کردستان عراق بر مناطق مرزی غرب کشور می‌باشد. این پژوهش به روش کیفی با رویکرد آینده‌پژوهی و سناریونویسی انجام شده، برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه عمیق، مطالعه اسناد و دیده‌بانی تحولات منطقه استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه پژوهش تعداد ۵۰ نفر از کارشناسان مباحث منطقه‌ای، مسئولان درگیر در بحث امنیت و صاحب‌نظران این حوزه در وزارت خارجه و دانشگاه‌های کردستان تا حد رسیدن به اشباع نظری می‌باشند (تعداد ۱۹ نفر) که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند. در این پژوهش از روش تحلیل مجدد مجموعه داده‌ها حاصل از مصاحبه با نخبگان بهره‌برداری شده است. که ضمن مشخص شدن بازیگران تحت کنترل، خارج از کنترل و نیروهای پیشران و عدم قطعیت‌ها در رابطه با موضوع، تعداد ۸ سناریو با توجه به مشخصه‌هایی مانند ارتباطات همگرا یا واگرایی درون گروهی کردهای منطقه، همسو بودن یا نبودن رویکرد چهار کشور دارای اقلیت کرد و شناخته شدن یا نشدن استقلال ایشان از سوی قدرت‌های جهان طراحی شده‌اند. نتیجه ارزیابی هشت سناریوی طراحی شده نشان می‌دهد سناریویی که شناخته شدن استقلال کردستان از سوی قدرت‌های جهانی، تنش میان کشورهای دارای اقلیت کرد و همگرایی بین اقلیت کرد در کشورهای همسایه را مطرح می‌کند، بهترین موقعیت برای اعلام و اجرای

۱. مدرس دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: roya.2147@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه امین، تهران، ایران.

استقلال اقلیم کردستان عراق و برای امنیت غرب کشور خطرناک می‌باشد و سناریویی که در نقطه مقابل این سناریو قرار دارد (عدم شناسایی از سوی قدرت‌های جهان، همسویی کشورهای دارای اقلیت کرد و واگرایی بین کردهای منطقه) بهترین سناریو است که بیانگر عدم استقلال کردها می‌باشد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، سناریو نویسی، اقلیم کردستان، پیامدهای امنیتی.

۱. مقدمه

داشتن کشور مستقل برای هر اقلیت یا قومیتی موضوع مهمی است که در طول تاریخ برای به دست آوردن آن مبارزه کرده‌اند. قوم کرد نیز با جمعیتی در حدود ۳۲/۵ میلیون نفر و مساحتی در حدود ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع در خاورمیانه و در کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه ساکن هستند که تاکنون نتوانسته‌اند کشور مستقلی را ایجاد کنند. از جمعیت ۳۲/۵ میلیون نفری کردها، حدود ۶ میلیون نفر آنها در مساحتی حدود ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع در اقلیم کردستان عراق ساکن شده‌اند (نصری، ۱۳۹۲) کردها در عراق نسبت به سایر کردها در کشورهای همجوار خود دارای موقعیت بهتری هستند چون با حمایت کشورهای مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی توانسته‌اند حکومت فدرالی را ایجاد کرده و به موفقیت‌های زیادی دست یابند. در این میان کشورهای دارای اقلیت کردنشین نیز به دلیل تاثیرپذیری این موضوع بر کردهای خود در کنار دولت مرکزی عراق با استقلال اقلیم مخالفت نموده‌اند، اما مردم کردستان عراق برای رسیدن به آرزوی دیرینه خود تلاش لازم را برای تحقق استقلال اقلیم انجام خواهند داد (حق پناه، ۱۳۸۷).

مسئله کردها یکی از مسائل مهم سیاسی خاورمیانه است که ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گسترده‌ای پیدا کرده است و تحولات آن تاثیر زیادی بر مناطق پیرامونی دارد. نکته حائز اهمیت اینکه دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش مهمی در تحولات این منطقه داشته و در طول چند دهه گذشته این دخالت‌ها کاملاً آشکار بوده است. تحولات منطقه به ویژه پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است که بررسی آن ضروری می‌نماید (روحی، ۱۳۹۳).

بعد از تشکیل حکومت فدرالی در اقلیم کردستان، قدرت و نفوذ کردها در داخل عراق افزایش یافت و از سوی دیگر برخی از کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی با نگاه راهبردی به موقعیت اقلیم کردستان، حضور بی‌سابقه‌ای در اقلیم پیدا کرده‌اند (حافظ نیا، ۱۳۹۱).

کردستان عراق در منطقه‌ای واقع شده که با سه کشور ایران، ترکیه و سوریه هم مرز است و این کشورها در مناطق مرزی خود با اقلیم کردستان دارای اقلیت کردنشین قابل توجهی هستند که به لحاظ قومی و نژادی، تاثیرپذیری زیادی از یکدیگر دارند (ساجدی، ۱۳۸۹). با توجه به همسایگی کردهای ایران و عراق و تاثیرپذیری آنها از یکدیگر بی‌شک استقلال احتمالی کردستان عراق، تاثیر زیادی بر امنیت مناطق کردنشین ایران خواهد گذاشت.

با توجه به رابطه نزدیک فرهنگی و قومی کردهای ایران و عراق و تاثیرپذیری از یکدیگر و همچنین داشتن مرز مشترک، استقلال اقلیم تاثیر زیادی بر امنیت مناطق کردنشین ایران خواهد داشت. این پژوهش درصدد مشخص کردن این موضوع است که آیا با توجه به توانمندی‌های راهبردی از جمله عمق راهبردی، منابع نفتی غنی، پیشینه مبارزاتی طولانی اقلیم کردستان، حمایت و سرمایه‌گذاری رژیم صهیونیستی و آمریکا در این منطقه و از طرف دیگر برخی دشواری‌ها از جمله موقعیت ژئوپولوتیکی و مخالفت کشورهای ایران، سوریه و ترکیه امکان استقلال اقلیم کردستان وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ داشتن اقلیت کرد و هم مرز بودن با اقلیم کردستان عراق همواره تحولات آن را با حساسیت زیادی دنبال می‌کند و این امر به یک موضوع ضروری برای راهبردان‌دیشی مبدل شده است. به همین منظور مساله اساسی محقق در این تحقیق آن است که اثرگذارترین سناریوهای پیامدهای امنیتی خودمختاری اقلیم کردستان عراق بر مناطق مرزی غرب کشور را برای بازه زمانی ۵ ساله با استفاده از تکنیک سناریو نویسی تبیین نماید. بر همین اساس طراحی سناریوهای پیامدهای امنیتی خودمختاری اقلیم کردستان عراق بر مناطق مرزی غرب کشور هدف اصلی این تحقیق می‌باشد.

۲.۲ ادبیات و پیشینه پژوهش

خالقی نژاد (۱۳۹۷) در مقاله چالش‌ها و سناریوهای پیش روی داعش در عراق، موانع بر سر راه استقلال کردستان مانند مخالفت همسایگان یا بحران اقتصادی را عواملی گذرا و موقت می‌داند و معتقد است وقوع چنین حادثه‌ای معادلات خاورمیانه را دچار تغییر خواهد کرد.

خیری (۱۳۹۶) در مقاله مسئله کرد و روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، حمایت نظام بین‌الملل از جنبش جدایی طلبی کردها و تبدیل آن به یک آرزوی دیرینه کردها به عنوان بزرگترین اقلیت بدون دولت، همکاری مستمر ایران و ترکیه را ضروری ساخته است.

روحي (۱۳۹۳) در مقاله استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی

آن بر جمهوری اسلامی ایران، آورده است که تحولات عراق پس از سال ۲۰۰۳ و حضور رژیم صهیونستی در منطقه کردستان، به عنوان منطقه مهم ژئوپلیتیکی جهت ایجاد پایگاه آن رژیم نامبرده است و به تاثیرات منفی آن بر جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد.

نصری و رضایی (۱۳۹۲) در مقاله امکان سنجی استقلال کردستان عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مشخص کرده است که علایق شدید ناسیونالیستی، انگیزه نخبگان سیاسی حاکم بر اقلیم و حمایت برخی رقبای منطقه‌ای ایران را سه منبع اصلی حرکت اقلیم کردستان به سمت استقلال می‌داند و حضور رژیم صهیونستی و آمریکا را تهدیدات اصلی این حرکت بر ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر شمرده است.

حافظ نیا (۱۳۹۱) در مقاله تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، معتقد است اقلیم کردستان بعد از تاریخ ۲۰۰۳ عملاً توانسته است که قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتری به دست آورد و به کانون همگرایی کردی در منطقه تبدیل شود.

قربانی و قدیمی (۱۳۹۱) در مقاله راهبرد سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق، به راهبرد سیاست خارجی آمریکا در عراق اشاره و عنوان شده که آمریکا منافع خود در عراق را با منافع خود در اقلیم تعویض نخواهد کرد و نمی‌خواهد سبب تجزیه عراق شود.

اولیری، مک‌گری و صالح^۲ (۲۰۰۵) در کتاب آینده کردستان عراق، به سناریوهای پیش روی اقلیم کردستان و پیامدهای منطقه‌ای آن پرداخته‌اند. در این کتاب سه سناریوی استقلال کامل، تثبیت فدرالیسم و ادغام در کشور عراق به صورت مجزا تشریح شده و موانع و منابع هریک از این سه سناریو بیان گردیده است.

۳. ادبیات و مفاهیم نظری

۳-۱. امنیت

عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بی‌مناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت، خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسایلی است که انسان با آن مواجه می‌باشد.

2- Berendan Oleary & John MCGarry & Khaled Saleh

امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند (میر عرب، ۱۳۸۹).

۲-۳. تهدیدات امنیت عمومی

تهدید، وضعیتی است که در آن خطر جدی نسبت به ارزش‌های مهم درک می‌شود. مهمترین ارزش‌ها در حوزه امنیت، مرجع امنیت است، بنابراین، تهدیدات امنیت عمومی را باید تهدیداتی دانست که به طور جدی و اساسی، ابعاد و وجوه سه‌گانه مرجع امنیت عمومی را به مخاطره می‌اندازد. نکته مهم اینکه بسیاری از تهدیدات امنیت عمومی منشأ داخلی دارد؛ هر چند تهدیدات با منبع خارجی نیز در مواردی، امنیت عمومی را مخدوش سازد؛ مثلاً غالب جرائم توسط اشخاص یا گروه‌هایی صورت می‌گیرد که در حوزه عمومی مردم قرار دارند. در عین حال، ممکن است برخی گروه‌های خاص یا حتی دولت‌ها با استفاده از عوامل خارجی یا داخلی، اقدامات مجرمانه‌ای در کشوری دیگر طراحی و اجرا کنند. مسئله دیگر اینکه تهدیدات با آسیب‌ها ارتباط مستقیم دارد. به این معنا که هر چه آسیب‌های سیستم بیشتر باشد، تهدیدات نیز افزایش می‌یابد. در لایه امنیت ملی، که موضوع اصلی درباره آن محیط خارج و داخل است، تهدیدات خارجی با آسیب‌های داخلی مقایسه می‌شود. اما در مفهوم بنیادی‌تر، آسیب‌ها که ضعف‌ها و کاستی‌های درون سیستمی تلقی می‌شود، می‌تواند به تهدید یعنی خطری جدی برای ارزش‌های اساسی آن سیستم تبدیل شود. نامناسب بودن جاده‌ها، گسترش بیماری‌ها و پایین بودن سطح بهداشت از جمله آسیب‌ها و تهدیدات امنیت عمومی است. ویژگی حوزه امنیت عمومی این است که محیط شکل‌گیری تهدیدات و آسیب‌ها در آن تقریباً یکسان است. به همین دلیل گاه مجرم را بیمار می‌خوانند یا به جای تأکید بر جرم‌شناسی از قربانی شناسی بحث می‌کنند.

این امر پیچیدگی مدیریت امنیت عمومی را از سایر سطوح امنیتی دشوارتر می‌کند. به دلیل گستردگی محیط امنیتی، تهدیدات در حوزه امنیت عمومی، ابعاد گوناگونی دارد.

گاهی ممکن است نوع رژیم سیاسی یا تصمیمات حاکمان، مرجع امنیت عمومی بویژه بعد مادی مرجع را به مخاطره اندازد و جان یا آزادی‌های مشروع یا اموال مردم را نابود کند؛ حتی ممکن است قرار دادن تسلیحات دفاعی در یک نقطه از کشور، اهالی آن منطقه را در معرض ناامنی قرار

دهد. در چنین حالتی باید تهدیدات را از نوع سیاسی تلقی کرد. آشوب‌ها و شورش‌ها نیز در این دسته جای می‌گیرد. هم چنین تهدیدات اقتصادی می‌تواند از طریق پدیده‌های اقتصادی مانند تورم یا رکود اقتصادی موجب ناامنی عمومی شود. این امر ممکن است ناشی از تهدیدات خارجی مانند تحریم اقتصادی باشد. هم چنین چنانچه کمبود منابع مالی، سازمان پلیس را تضعیف کند، بعد نهادی مرجع امنیت عمومی مورد تهدید قرار گرفته است. فرقه‌گرایی و اختلافات قومی و مذهبی نیز می‌تواند به عنوان تهدیدات اجتماعی ابعاد مختلف امنیت عمومی مانند مادی و فیزیکی و نظم عمومی را به طور اساسی مخدوش و سبب آسیب‌پذیری قومی گردد. در نتیجه؛ به فرآیند تاثیر گذاری منفی و ویژگی‌ها، ساختارها، تحرکات و تقابل‌های قومی در توان امنیتی نظام برای اعمال سیاست‌ها و کنترل مرزی آسیب‌پذیری قومی می‌گردد. این فرآیند حفظ ثبات سیاسی کشور و بهره‌برداری مطلوب از پتانسیل‌های منطقه مرزی و عملی سازی سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی نظام در جدار مرز را با مشکلات و اختلالاتی مواجه می‌سازد. با عنایت به واقعیت شکاف قومی در ایران و نحوه استقرار اقوام با مراتبی از واگرایی و عقبه قومی در آن سوی مرز و پاری تحرکات سازمان یافته می‌توان نتیجه گرفت که:

- مسائل قومی استعداد به چالش کشاندن امنیت مرزی و ثبات سیاسی کشور را دارد.
 - قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و نخبگان و تشکل‌های قومی قادر به تعمیق شکاف‌ها و دامن زدن به واگرایی‌ها و تضعیف هویت ملی و در معرض تهدید قرار دادن امنیت نظام و تمامیت ارضی کشور، هستند.
 - نظام جمهوری اسلامی با مدیریت تنوع قومی می‌تواند و باید آسیب‌ها و تهدیداتی که از رهگذر گرایش‌های واگرایانه قومی بر سطوح مختلف امنیت عارض می‌گردد، را به حداقل تقلیل دهد.
 - این تهدید به طور مستقیم مرجع امنیت ملی و به صورت غیرمستقیم مرجع امنیت عمومی را تهدید می‌کند. به همین دلیل، نیروهای مسلح، وظیفه رویارویی با تهدیدات امنیت ملی را برعهده دارند و پلیس و نهادهای امنیت عمومی نیز باید با اقدامات علیه اموال یا نفوس مردم و نیز با عوامل مخل نظم، رویارویی کنند.
- بنابراین، ممکن است منابع تهدید امنیت عمومی همان منابع تهدید امنیت ملی، اجتماعی یا

فردی باشد، اما تهدید شونده (مرجع امنیت) در هر یک از سطوح متفاوت است که در نتیجه تأمین کننده امنیت نیز متفاوت خواهد بود.

البته، باید به این نکته توجه داشت که در مواردی تأمین کننده امنیت به دلایلی خود به تهدید امنیتی تبدیل می‌شود. این تهدید گاه به صورت عمدی و گاه آسیب یا تهدید غیر عمدی عمل می‌کند. تهدیدات امنیت عمومی گاه اقدامی یا رفتاری ناامن کننده است و گاهی به صورت یک امری فرآیندی و تدریجی بر مرجع امنیت تأثیر می‌گذارد. رفتارهای مخاطره آمیز و ناهنجاری‌های شدید اجتماعی از جمله تهدیدات فرآیندی است. در رویکرد محدود به امنیت، تهدیدات از نوع وجودی است و تنها در صورتی که کلیت وجود و بقای مرجع امنیت را در معرض خطر جدی قرار دهند، تهدید امنیتی تلقی می‌شوند اما در معنای موسع، تهدیدات کمتر نیز تهدید امنیتی خواهند بود (ره پیک، ۱۳۹۶: ۴۹).

۳-۳. انواع امنیت

تا کنون طبقه‌بندی مشخصی از انواع امنیت ارائه نشده است. لذا محققین، کاربران و پدیدآورندگان امنیت تقسیم‌بندی‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند و هر دسته از زاویه متفاوتی به امنیت نگریسته‌اند. انواع تقسیم‌بندی امنیت عبارت است از:

۳-۳-۱. ادراکی

در این روش امنیت به ذهنی و عینی تقسیم می‌شود. بر اساس آن، چنانچه افراد جامعه در درون خود احساس آرامش نمایند و نگران تعرض به جان و مال خود نباشند، امنیت ذهنی وجود دارد و هنگامی که اقدامات و عملکرد سازمان‌ها و دستگاه‌های برقرارکننده نظم و امنیت به نحوی در جامعه قابل رؤیت باشد، به گونه‌ای که هر فرد خارجی که وارد آن کشور می‌شود وجود امنیت را در رفتار مردم مشاهده نماید، امنیت عینی پایدار شده است. البته در این وجه حضور فیزیکی نظامیان و پلیس در جامعه مورد نظر نیست، زیرا در جوامع آشوب‌زده و یا در دوران پس از کودتا ممکن است پلیس و نظامیان بی‌شماری در سطح خیابان‌ها و معابر مشاهده شوند، لیکن این به معنای تحقق امنیت عینی نیست. در صورتی می‌توان گفت امنیت عینی در جامعه وجود دارد که در کنار حضور طبیعی پلیس، رفتار و عملکرد مردم به گونه‌ای باشد که بهره‌مندی از امنیت در اعمال آنان مشاهده گردد.

۲-۳-۳. جمعیتی

در این روش میزان برخورداری جمعیت ساکن در کشور مبنای تقسیم‌بندی قرار گرفته است که بر اساس آن امنیت به سه دسته فردی، دسته‌ای و عمومی تفکیک می‌شود.

الف) امنیت فردی: جان، مال و حیثیت هر یک از افراد جامعه از تعرض و تجاوز مصون است و آحاد مردم که تابع قوانین و مقررات هستند بابت قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و... نگرانی ندارند.

ب) امنیت جمعی: قشر، طبقه، یا بخشی از جامعه که معمولاً در قدرت هستند و یا وابسته به طبقه حاکم می‌باشند، امنیت دارند اما بقیه آحاد مردم امنیت ندارند.

پ) امنیت عمومی: تمامی افراد جامعه صرف نظر از هر نوع گرایش دینی، قومی و نژادی از امنیت برخوردارند و چنانچه ناامنی بروز نماید قشر یا گروه مشخص را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه ممکن است برای هر قشر یا گروهی از شهروندان حادث گردد.

۳-۳-۳. جغرافیایی

در تقسیم‌بندی جغرافیایی بر اساس آنکه بخشی یا تمامی کشور برخوردار از امنیت باشد، امنیت دسته‌بندی می‌شود.

الف) امنیت محلی: امنیت فقط در برخی نقاط کشور یا برخی محلات از شهرها وجود دارد و لیکن بقیه نقاط فاقد امنیت مناسب هستند.

ب) امنیت منطقه‌ای: یک یا چند منطقه از کشور دارای امنیت مطلوب است، اما در برخی مناطق دیگر امنیت وجود ندارد.

پ) امنیت سراسری: تلاش یکسانی در تمامی کشور برای ایجاد و حفظ امنیت به عمل می‌آید و تمامی مردم صرف نظر از سکونت در پایتخت، شهرهای بزرگ و کوچک، روستاها و نقاط دورافتاده از امنیت مطلوب برخوردارند و چنانچه ناامنی بروز نماید منطقه مشخصی هدف آن نیست؛ به عبارت دیگر، توزیع و پراکندگی امنیت در سراسر کشور یکسان است.

۴-۳-۳. موضوعی

در روش موضوعی، امنیت بر اساس تعلق آن به موضوع مورد نظر تقسیم می‌شود که مهم‌ترین

آنان عبارت‌اند از:

الف) امنیت سیاسی: احزاب، گروه‌ها و یا هر عضوی از جامعه حق دارد بدون هیچ‌گونه بیم و هراسی، نظرات و دیدگاه‌های خود را در چارچوب قوانین و مقررات کشور، درباره اداره امور جامعه و نحوه عملکرد طبقه حاکم و مسئولان ذی‌ربط ابراز نماید، بدون آنکه خطری او را تهدید کند یا در معرض تعقیب و دستگیری قرار گیرد و یا امنیت او سلب گردد.

ب) امنیت اقتصادی: ایجاد رابطه مناسب و منطقی و عادلانه بین منابع اولیه، تولید، توزیع، واردات، صادرات، اشتغال و درآمد اعضای جامعه، به طوری که لوازم و نیازهای ضروری مردم، صاحبان صنایع، کشاورزان و بخش خدمات تأمین شود و آنان هیچ‌گونه نگرانی از تأمین نشدن نیازمندی‌های زندگی، تغییر قیمت‌ها و یا اختلال در فعالیت اقتصادی نداشته باشند.

پ) امنیت اجتماعی: آرامش و آسودگی مردم برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و فراغت از اعمال و رفتار غیرقانونی دستگاه‌های دولتی یا افراد و باندهای شرور است و قانون و مقررات بر کلیه شئون جامعه، اعم از دولتمردان و شهروندان حاکم است. در سال‌های اخیر موضوعاتی، همانند امنیت روحی، روانی، امنیت اخلاقی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست محیطی و... به مصادیق امنیت اجتماعی افزوده شده است.

ت) امنیت قضایی: تأمین حقوق فردی و اجتماعی افراد، تحقق عدالت، امکان اقامه دعوا و محاکم قضایی برای دستیابی به حقوق تضییع شده و ایمنی و مصونیت افراد از هرگونه تعرض، تجاوز، ارباب و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادی، شرف، حیثیت، شغل، مسکن و... امنیت قضایی است. (آجرلو، ۱۳۹۵: ۶۹)

۳-۴. چالش‌های امنیتی

چالش مساله ای که باید برای آن چاره اندیشی شود (عمید، ۱۳۶۳: ۱۲۰). بازتاب شرایط غیر معمول و بر هم خوردن امنیت بر اثر کنشی تهدید آمیز که می‌تواند بخش‌های مختلف یک جامعه را تحت الشعاع خود قرار دهد. باید میان واژه‌هایی چون؛ چالش‌های امنیتی، تهدیدات امنیتی معضلات امنیتی، بحران‌های امنیتی و... نیز تفکیک قائل شد. اصولاً یکی از مشکلاتی که در مقوله «آسیب شناسی امنیتی» وجود دارد، عدم تفکیک و تمایز بین سطوح تحلیل می‌باشد. یعنی برخی از مسایل بیشتر جنبه نظری دارند و یا در سطوحی هستند که چالش آفرین نیستند، ولی در حد مشکل تلقی می‌شوند و برخی آسیب‌ها بیشتر جنبه نظری دارند و یا در سطوحی هستند

که چالش آفرین نیستند، ولی در حد مشکل تلقی می‌شوند و برخی آسیب‌ها بیشتر جنبه داخلی دارند اما در عین حال از شدت چندانی برخوردار نیستند و برخی چالش‌ها به صورت تهدید نمایان می‌گردد که در نهایت سطح تحلیل «بحران» که نقطه اوج سه سطوح قبلی است، به ستیزه و درگیری می‌انجامد. یکی از مشکلاتی که وجود دارد عدم تمایز بین این سطوح می‌باشد که با هر سطح، متناسب با آن برخورد نمی‌شود، یعنی؛ گاه با «مشکل» مقابله‌ای می‌شود که با «بحران» بایستی انجام داد و گاه با «بحران» چنان ساده برخورد می‌شود که در سطح یک «مشکل» تقلیل می‌یابد (تاجیک، ۱۳۹۵: ۲۶).

۳-۵. پیامدهای امنیتی

هر آنچه به صورت عینی یا ذهنی، ارزش‌ها و منافع ملی یک کشور را تهدید یا مانعی برای رسیدن کشور به اهدافش باشد تهدید امنیتی محسوب و بازتاب شرایط غیر معمول و برهم خوردن امنیت بر اثر کنشی تهدید آمیز که می‌تواند بخش‌های مختلف یک جامعه را تحت الشعاع خود قرار دهد را پیامدهای امنیتی می‌نامند. این پیامدهای می‌تواند ناشی از انواع تهدیدات سخت، نیمه سخت و یا نرم باشد که بسته به نوع تهدید پیامدهای امنیتی و تأثیرات آن در سطح جامعه متفاوت خواهد بود (دهقان، ۱۳۹۳: ۴۱).

۳-۶. آینده پژوهی

آینده پژوهی، مطالعات بین رشته‌ای یا چند رشته‌ای است و به تمام حوزه‌های فکری و رفتاری جامعه مربوط می‌شود. اگر چه باید خود به تخصص‌های مختلف تقسیم گردد. در هر حال آینده پژوهان بحران‌های سیاسی و امنیتی باید دارای خلاقیت، اطلاعات سیاسی، تکنولوژی، علوم استراتژیک، قانون و برنامه‌ریزی باشند و در رشته خود سرآمد باشند (قلی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۷). یکی از مشهورترین تعاریف آینده پژوهی را وندل بل ارائه داده است وی بر این باور است که آینده پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه، آینده‌های مرجح را انتخاب و برای پی‌ریزی ساخت مطلوب‌ترین آینده کمک کند به عقیده وی کشف یا ابداع، آزمون و ارزیابی و پیشنهاد آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح اهداف آینده پژوهی به شمار می‌آیند (نجفی و پورمنافی، ۱۳۹۶: ۲۴).

۳-۷. سناریونویسی

سناریونویسی برای شرح رویدادهای آینده باورپذیر بر اساس ترکیب خلاقانه داده‌ها، واقعیت‌ها و فرضیه‌ها به کار گرفته می‌شود. این واقعیت نیاز به تفکر، روش و شهودی درباره آینده‌های ممکن دارد. که معمولاً مبتنی بر تحلیل نظام مند زمان حال است. سناریو در واقع درک آینده‌های مختلف در زمان حال است. ایده اصلی بر این اساس استوار است که بذرها و جوانه‌های آینده در دنیای امروز وجود دارند به شرط آنکه ما بتوانیم آن‌ها را درست و به موقع شناسایی کنیم (نجفی و پورمنافی، ۱۳۹۶: ۲۴)

بازیگران: با داشتن دیدگاه نمایشنامه‌ای نسبت به آینده، شناسایی نقش بازیگران آسان است. اقدامات و انگیزه‌ها، بازیگران قدیمی و جدید داستان را در روی صحنه پیش می‌برند. مشکل تحلیل رفتار آینده بازیگران در صحنه فردا، این است که نفوذ در انگیزه‌ها و راهبردهای پنهان آن‌ها کار دشواری است. فهرستی از تمام بازیگرانی که ممکن است به نحوی تأثیری بر حوزه مورد مشاهده شما داشته باشند، تهیه کنید یک نقشه ذهنی وسیله خوبی است (منتظران، ۱۳۹۵)

نیروهای پیشران: طرح داستان‌های سناریوها صرفاً تمرین نوشتن خلاقانه نیستند. آنها بر اساس نیروهای پیشران ساخته می‌شوند. یعنی نیروهایی که به داستان توصیف شده در یک طرح خاص شکل بخشیده و آن را پیش می‌برند. در حالیکه در واقع شمار نیروهای تأثیرگذار بر هر طرح غیرقابل شمارش هستند ولی در حالت کلی می‌توان آنها را به دو طبقه تقسیم کرد: نیروهای محیطی و اقدامات نهادها. تصور سناریویی که به ترکیب نیروهای پیشران اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست بومی، رویدادهای فناورانه، روندها و تحولات نپردازد دشوار است. به شیوه مشابه اقدامات نهادها از جمله انواع مختلف سازمان‌های تجاری، احزاب سیاسی، آژانس‌های دولتی و مراکز منطقه‌ای و بین‌المللی در هر سناریو آشکار هستند. موضوعی که همواره می‌تواند فاکتورهای کلیدی را تحت تأثیر قرار داده و تغییرات مورد نیاز را درباره آنها بوجود آورد، واقعه و یا رویدادی را سریعتر از زمان خود و یا کندتر از زمان واقعی با شدت و قدرت متفاوت ایجاد کند همان نیروهای پیشران هستند. همواره به خاطر داشته باشیم نیروهای پیشران موتورهای تغییر فاکتورهای کلیدی هستند. (حافظی، ۱۳۹۳: ۳۳).

عدم قطعیت‌ها: میزان پیش‌بینی ناپذیر بودن تحولات و نتایج آینده را عدم قطعیت می‌گویند. سهم اصلی سناریو در موفقیت آینده ما به توانمند سازی ما در تبدیل عدم قطعیت به منبع برتری و مزیت باز می‌گردد. البته بهره برداری از عدم قطعیت به معنای حذف آن نیست وقوع چنین

امری در دنیای پیچیده و به هم مرتبط که در آن قطعیت کالایی نادر و کمیاب است امکان پذیر نیست. اما سناریوها می‌توانند به ما در تعامل با عدم قطعیت (به جای شکست خوردن از آن) کمک کنند و به ما درس نگاه کردن به تمام احتمالات «تفکر درباره تفکر ناپذیری» و کسب آمادگی برای موارد غیرمنتظره و حتماً غیر محتمل (یا آن چه که بدان باور داریم) و توسعه انعطاف پذیری، پایداری و سرعت پاسخ که برای کسب پیروزی در هر سازمان در محیط سردرگم کننده و متغیر سریع اساسی هستند را بیاموزند (حافظی، ۱۳۹۳: ۳۴).

پیامدهای امنیتی: بازتاب شرایط غیر معمول و بر هم خوردن امنیت بر اثر کنشی تهدید آمیز که می‌تواند بخش‌های مختلف یک جامعه را تحت الشعاع خود قرار دهد (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۴)

اقلیم کردستان: کردستان عراق یا اقلیم کردستان یک منطقه خود مختار در بخش شمالی کشور عراق است. کردستان عراق از شرق با ایران از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم مرز است (کریمی، ۱۳۸۹)

۴. چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس دو نظریه رئالیسم تدافعی و رئالیسم تهاجمی گذاشته شده که به شرح ذیل تبیین می‌شوند.

۴-۱. نظریه رئالیسم تدافعی

رئالیسم تدافعی رویکردی امنیتی به نظام بین‌الملل دارد و قدرت و امنیت مهم‌ترین عناصر در رئالیسم تدافعی است (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵). از مهم‌ترین نظریه پردازان نظریه رئالیسم تدافعی می‌توان به: رابرت جرویس^۳، استفن والت^۴، استفن ون اورا^۵ و چارلز گلاسر^۶ اشاره کرد. همچنین خود کنت والتز^۷ را می‌توان رئالیست تدافعی دانست. در رئالیسم تدافعی مسئله امنیت مهم‌ترین مسئله است. دیدگاه رئالیست‌های تدافعی، نگاهی کاملاً امنیتی است و مطالعات روابط

3- Robert Jervis

4- Stephen Walt

5- Stephen Van Aura

6- Charles Glaser

7- Kenneth Waltz

بین‌الملل را به سمت امنیتی شدن سوق داده و در واقع درصدد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنارشیستیک بین‌المللی‌اند.

رنالیست‌های تدافعی نیز به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یک سو و خطر دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه دولت‌هایی که این را درمی‌یابند خطری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد داد. به عبارت دیگر دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد. بنابراین امنیت در نگاه تدافعی‌ها برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه. تا جایی که موازنه برقرار است امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد کشورها بایستی جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دست‌یابی به موازنه جدید کنند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

۲-۴. اصول نظریه رئالیسم تدافعی

اصول نظریه رئالیسم تدافعی عبارتند از:

- ۱- امنیت: مسئله اساسی و اصلی در رئالیسم تدافعی امنیت است و امنیت یک امر نسبی است، یعنی اگر دولتی به دنبال افزایش امنیت خود باشد باعث ناامنی در نظام بین‌المللی می‌شود و مسئله امنیت همیشه مطلق نیست و نمی‌توان به یک امنیت جهانی دست یافت و دولت‌ها همیشه به دنبال یک امنیت پایدار هستند.
- ۲- قدرت: توانایی تحمیل اراده یک دولت از طریق نظامی یا غیرنظامی بر دولت دیگر از مصادیق مهم قدرت در نظریه رئالیسم تدافعی است.
- ۳- درک تصمیم‌گیرندگان: تصوراتی که تصمیم‌گیرندگان یک دولت دارند و این تصورات و ادراکات در قالب خطر سیاسی انعکاس پیدا می‌کند در نظریه رئالیسم تدافعی مطرح است.
- ۴- نظام داخلی: قدرت داخلی یک کشور از دیدگاه واقع‌گرایان تدافعی مهم است و استقلال

دولت و توانایی مدیریت امکانات داخلی در ابعاد نظامی و غیرنظامی از اصول نظریه رئالیسم تدافعی است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

۳-۴. نظریه رئالیسم تهاجمی

رئالیسم تهاجمی یک نظریه نظام‌مند و شاخه‌ای از نئورئالیسم است که تأکید در آن بر امنیت و قدرت در سیستم آنارشیک بین‌المللی است. نظریه نئورئالیسم به صورت عملی مهم‌ترین نظریه در روابط بین‌الملل است (جرویس^۱، ۱۹۹: ۴۵).

رئالیسم تهاجمی دو تئوری رئالیستی غالب درباره روابط قدرت بزرگ را به چالش می‌کشد. این دو نظریه عبارتند از: «رئالیسم کلاسیک» هانس مورگنتا در «سیاست میان ملت‌ها» و «رئالیسم تدافعی» ارائه شده از سوی کنت والتز در «نظریه سیاست بین‌الملل». در عین حال رویکرد تهاجمی تلاش می‌کند تا تلفیقی میان دو نقطه آغاز متفاوت در نظریات رئالیسم دولت‌محور و نئورئالیسم تدافعی ارائه دهد. فرضیه‌های موردنظر در رئالیسم دولت‌محور و نئورئالیسم تدافعی را می‌توان به ترتیب ذیل برشمرد:

- ۱- رئالیسم دولت‌محور: دولت‌ها زمانی سعی می‌کنند، نفوذ سیاسی خود را در خارج گسترش دهند که تصمیم‌گیرندگان افزایش نسبی در قدرت دولت را مدنظر خود قرار دهند.
 - ۲- رئالیسم تدافعی: دولت‌ها زمانی سعی می‌کنند منافع سیاسی خود را در خارج گسترش دهند که دولتمردان، افزایش تهدیدات را تشخیص بدهند (علیزاده موسوی، ۱۳۹۱: ۲۷).
- نظریه رئالیسم تهاجمی که از طرف جان میرشایمر مطرح شده، ادعا می‌کند که هدف نهایی همه دولت‌ها این است که به جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل دست یابند. طبق این نظریه، دولت‌ها همواره به دنبال قدرت بیشتر هستند و اگر شرایط مناسب باشد می‌خواهند که توزیع قدرت را تغییر دهند (بلیتس و اسمیت ۱۳۸۸: ۳۴۵-۳۴۴).

۵. یافته‌های پژوهش

ساخت سناریوهای آینده پژوهی پیامدهای امنیتی خودمختاری اقلیم کردستان عراق بر مناطق مرزی غرب کشور در ۱۰ مرحله یا گام اصلی انجام می‌گیرد که این ۱۰ گام به شرح زیر است:

گام اول؛

شناسایی بازیگران: در این مرحله اقدام به شناسایی بازیگران سناریو می‌نماییم که شامل بازیگران تحت کنترل و خارج از کنترل می‌شود.

گام دوم؛

مرور عوامل مؤثر و پیشران‌ها: گروه اول عوامل اجتماعی - هویتی؛ این دسته از عوامل به تعاریف هویتی کردها، مسئله مذهب، مواضع کردها نسبت به اتحاد قومی، ذهنیت رهبران اجتماعی به مقوله استقلال و عوامل جمعیت‌شناختی مانند جنس، سن، میزان سواد و رفاه اشاره دارند. گروه دوم عوامل سیاسی داخلی مانند ساختار قانونی اقلیم، ظرفیت قانون اساسی عراق، واکنش بغداد به استقلال کردها، مواضع نیروهای مسلح (ارتش و حشدالشعبی) و عوامل بیرونی مانند موضع‌گیری‌های ایران و ترکیه یا آینده سوریه را در بر می‌گیرد. گروه سوم هر اتفاقی که موازنه نظامی در داخل عراق یا مناطق کردنشین عراق، سوریه و ترکیه را تغییر دهد در این گروه جای دارد. خرید تسلیحات سنگین توسط پیشمرگه یا ایجاد یک سپر دفاعی و امنیتی در مرزهای اقلیم کردستان عراق از دیگر رخدادهای مؤثر در این گروه است.

گام سوم؛

شناسایی پیشران‌ها: هیچ کس نمی‌تواند رفتار اشخاصی مانند بارزانی، حیدرالعبادی و اردوغان یا دولت‌های ایران، سوریه، عراق و حتی کنشگران فرامنطقه‌ای مانند واشنگتن و مسکو را از دایره کنش‌گران مؤثر بر آینده همه پرسى اقلیم خودمختار خارج کند. حتی تنوع و تکرار در داخل جامعه کردها نیز برگوناگونی الگوهای رفتاری در قبال همه‌پرسی افزوده است. در نتیجه، کنشگران داخلی عراق، عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و گروه‌های کردی متعدد را باید به عنوان دسته‌بندی اصلی کنشگران آینده کردستان عراق به شمار آورد.

- ایران: به دلیل مجاورت جغرافیایی و تأثیرپذیری از تحرکات سیاسی و سرزمینی کردهای اقلیم کردستان عراق و همچنین تهدیدات ساختاری امنیت ملی ناشی از تجزیه عراق به عنوان یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای به صورت جدی با استقلال کردستان عراق مخالفت می‌کند.

- ترکیه: این کشور به دلیل تأثیرگذاری استقلال اقلیم بر مناطق کردنشین خود، مقابله با تمایلات کردهای عراق برای تسلط بر کرکوک و مقابله با گسترش فرهنگ کردی در مناطق جنوب و جنوب شرقی ترکیه، مخالف استقلال کامل اقلیم است.

- عراق: به مثابه حکومت مرکزی با هدف حفظ تمامیت ارضی و اعمال حاکمیت قانونی خود بر خاک این کشور آشکارا با جدایی اقلیم خودمختار مخالفت کرده است.

- سوریه: به هیچ وجه تمایل به تشکیل دولتی که زیر سلطه دشمنان وی از جمله رژیم صهیونیستی و آمریکا باشد، نیست و به خوبی میداند که تشکیل کردستان مستقل در عراق افزون بر افزایش توقعات کردها در سوریه و الگو گرفتن از کردهای عراق، پایگاهی برای رژیم صهیونیستی در این منطقه خواهد بود.

- عربستان: ریاض در توافقنامه هفت بندی طرح فعالیت مشترک بین عربستان و اسرائیل در ۵ ژوئن سال ۲۰۱۵ صراحتاً در بند آخر آن از تلاش برای ایجاد کردستان بزرگ از راه‌های مسالمت آمیز سخن به میان آورده است.

- رژیم صهیونیستی: برای مقابله با اعراب، استراتژی طراحی نموده است که هدف از آن افزایش عملیات تهاجمی علیه هدف‌های عربی است و بدین منظور اسرائیل سعی می‌کند شورش کردها را علیه حکومت عراق یاری کند.

- آمریکا و اروپا: آمریکا و اتحادیه اروپا به صورت ضمنی، از استقلال کردستان حمایت می‌کنند. روسیه: اساساً روسیه درباره کردهای عراق بر سر یک دوراهی قرار گرفته است. یک رویکرد معتقد است فرآیند تاریخی کردها و جنگی که تا کنون در آن با داعش درگیر هستند، لاجرم منجر به تشکیل دولت کردهای عراق خواهد انجامید و روسیه چاره‌ای جز به رسمیت شناختن آن ندارد. اما رویکرد دوم این است که روسیه باید در جهت حفظ و تقویت روابط با متحدان منطقه‌ای خود از جمله ایران، عراق، ترکیه و سوریه که ثبات فعلی منطقه را به نفع روسیه حفظ می‌کنند دست از حمایت کردها بردارد.

- حشد الشعبی: به مثابه نیروی میدانی تعیین کننده دولت مرکزی بغداد به منظور حفظ تمامیت ارضی عراق مخالف شدید استقلال کردستان است.

- اهل تسنن عراق: برخی از آنها از سوی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی برای حمایت از استقلال کردستان سازمان یافته‌اند که هدف تجزیه طلبی و استقلال مناطق اهل سنت از دولت مرکزی بغداد بعد از استقلال کردستان است.

- ی.ن.ک (اتحادیه میهنی کردستان): یک حزب کردی در کردستان عراق است که اساساً مخالف تجزیه طلبی و استقلال کردستان هستند و با مرتبط دانستن تحرکات اخیر با جاه‌طلبی‌های

شخصی مسعود بارزانی از تمامیت ارضی عراق حمایت می‌کنند.
 - ک.ر.ج (اقلیم خودمختار کردستان): ذیل حاکمیت حزب دمکرات کردستان عراق متولی اصلی تجزیه طلبی و استقلال کردستان عراق به رهبری بارزانی‌ها است.
 - پ.ک.ک: به طور رسمی خواهان جدایی مناطق کردنشین کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه و تشکیل کردستان بزرگ است.
 - پ.ا.د (حزب کردی دمکرات): حزبی سیاسی در کردستان سوریه است که دارای مرام سوسیالیزم دموکراتیک، ملی‌گرایی و خودمختاری کردها هستند.

گام چهارم؛

شناسایی عدم قطعیت‌ها: کارشناسان و صاحب‌نظران پس از بررسی موارد اثرگذار بر موضوع تحقیق به این نتیجه رسیدند که موارد زیر به عنوان عدم قطعیت در خودمختاری اقلیم کردستان می‌تواند مطرح شود، زیرا قطعیتی برای آنها نمی‌توان تصور نمود به طور مثال همراهی کردهای منطقه با استقلال اقلیم و یا حمایت و روسیه، تحریم اقتصادی و نظایر آن قطعیت نداشته و نمی‌توان آن را به عنوان متغیر اثرگذار به صورت قطعی بررسی نمود.

جدول ۴- شناسایی عدم قطعیت‌های مربوط به اقلیم کردستان

عدم قطعیت‌ها		
۱	شناسایی از سوی قدرت‌های بزرگ	۸ واکنش بلوک سنی به استقلال کردستان
۲	حمایت یا عدم حمایت روسیه از اقلیم کردستان	۹ شناسایی استقلال اقلیم از سوی بازیگران منطقه‌ای
۳	کنش سیاسی - حقوقی سازمان ملل	۱۰ همراهی کردهای منطقه با استقلال اقلیم
۴	حمایت تسلیحاتی آلمان و آمریکا از پیشمرگه	۱۱ رابطه ک.د.پ و پ.ک.ک
۵	واکنش عملیاتی دولتهای ترکیه، ایران و عراق	۱۲ منازعه بر سر کرکوک با اعراب و ترکمن‌ها
۶	تحریم اقتصادی و محاصره سرزمینی	۱۳ زمانبندی فرایند استقلال
۷	اختلاف سیاسی- نظامی اقلیم خودمختار و گروه‌های پ.ک.ک و پ.ا.د	۱۴ برخورد نظامی میان پیشمرگه و حشدالشعبی

گام پنجم؛

ترسیم چشم انداز کلی: با احتمال اعلام و شکل‌گیری خودمختاری منطقه اقلیم کردستان به عنوان کشور مستقل و تأثیرات سیاسی، امنیتی و نظامی بر منطقه و نیز افزایش تحرکات

کشورهای همسایه و فرمانطقه‌ای در راستای حفظ یا رسیدن به اهداف تعیین شده خود، می‌تواند با طراحی سناریوها و آینده‌های بدیل و محتمل در خصوص اتفاقات پیش رو، جامعه اطلاعاتی و نیروهای مسلح را نسبت به برنامه‌ریزی منسجم و هدفمند با نگاه به آینده وادار نمود و همچنین در خصوص حفظ منافع ملی، امنیت منطقه و مناطق مرزی بویژه مناطق کردنشین، حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از حضور نیروهای فرمانطقه‌ای در قالب سازمان جاسوسی و نظامی اقدامات مؤثر و سنجیده ای انجام دهند. با ترسیم سناریوهای محتمل همچنین قادر خواهیم بود پیامدهای امنیتی را شناسایی و به ذینفعان تحت نفوذ و خارج از نفوذ معرفی نمود تا نسبت به برنامه‌ریزی، رصد، تصمیم‌گیری مناسب با نگاه به چشم‌انداز منطقه اقدام نمایند.

گام ششم؛

تعیین و ارزیابی عدم قطعیت‌ها: پس از شناسایی و تحلیل عدم قطعیت‌ها باید یک ماتریس چندلایه و چندبعدی طراحی کرد تا در هر ضلع آن، وضعیت‌های محتمل برای هر یک از این نااطمینانی‌ها قرار گیرد. در ادامه نیز، وضعیت‌های حاصل از تداخل و تعامل این موارد، یک به یک مورد تحلیل قرار می‌گیرد. اما با توجه به غیرمنطقی و غیرممکن بودن برخی از آنها، بروز اشتراکات متعدد در برخی از حالات و در نهایت درجه اهمیت نابرابر آنها، بهترین کار، انتخاب موارد کلیدی می‌باشد. در هر صورت، نه تنها سرعت عمل در شناسایی آینده افزایش می‌یابد، بلکه با شناسایی سناریوهای محتمل و مهم، زمینه برای آماده‌سازی سازمان برای مقابله با این آینده‌ها و تهدیداتشان فراهم می‌شود. بر پایه همین استدلال، عدم قطعیت‌های شناسایی شده طبق جدول زیر ارزش‌گذاری می‌شوند.

جدول ۶- ارزش‌گذاری عدم قطعیت‌های شناسایی شده

شماره	عدم قطعیت	امتیاز
۱	شناسایی از سوی قدرت‌های بزرگ	۴۶
۲	حمایت یا عدم حمایت روسیه از کردستان مستقل	۳۸
۳	کنش سیاسی - حقوقی سازمان ملل متحد	۳۶
۴	حمایت تسلیحاتی آمریکا و آلمان از پیشمرگه	۳۲
۵	واکنش عملیاتی دولت‌های عراق، ایران و ترکیه	۵۰
۶	تحریم‌های اقتصادی و سرزمینی	۳۹

۷	اختلاف سیاسی نظامی پ.ای.د و پ.ک.ک با اقلیم	۳۶
۸	واکنش بلوک سنی منطقه به استقلال کردستان	۲۹
۹	شناسایی استقلال اقلیم از سوی بازیگران منطقه‌ای	۴۰
۱۰	همراهی کردهای منطقه با استقلال اقلیم	۴۳
۱۱	جدایی و اختلاف میان ک.د.پ و پ.ک.ک	۳۷
۱۲	منازعه بر سر کرکوک با اعراب و ترکمن ها	۳۴
۱۳	زمانبندی فرآیند استقلال اقلیم	۲۶
۱۴	برخورد نظامی میان حشد الشعبی و پیشمرگه	۳۸

گام هفتم؛

نوشتن سناریوها: سه عامل برتری که در تعیین وضعیت کردستان ایفای نقش می‌کنند به واکنش قدرت‌های فرامنطقه‌ای، واکنش چهار کشور دارای اقلیت کرد و ارتباط داخلی گروه‌های کردی اشاره دارند. اگر برای واکنش قدرت‌های جهانی دو حالت به رسمیت شناختن و عدم شناسایی، برای رویکرد کشورهای چهارگانه دو وضعیت همسویی راهبردی یا واگرایی و در نهایت برای ارتباط داخلی کردها از دو گزینه همگرایی و واگرایی استفاده کنیم، به جدول زیر خواهیم رسید که در آن هشت آینده بدیل قابل ترسیم خواهد بود.

جدول ۷- وضعیت سناریوهای بدیل اقلیم کردستان

ردیف	شناسایی استقلال از سوی قدرت‌های جهانی	رویکرد چهار کشور دارای اقلیت کرد	ارتباط درون گروهی کردهای منطقه	مطلوبیت
۱	شناسایی	همسو	همگرایی	*
۲	شناسایی	همسو	واگرایی	*
۳	شناسایی	نا همسو	همگرایی	خطرناک و قرمز
۴	شناسایی	نا همسو	واگرایی	*
۵	عدم شناسایی	همسو	همگرایی	*
۶	عدم شناسایی	همسو	واگرایی	مطلوب ترین مورد
۷	عدم شناسایی	نا همسو	همگرایی	*
۸	عدم شناسایی	نا همسو	واگرایی	*

آینده بدیل نخست: در این وضعیت یک یا چند قدرت بزرگ مسئله به رسمیت شناختن استقلال اقلیم کردستان را در دستور کار نهادهای داخلی خود قرار می‌دهند. در این سناریو وزارت خارجه ایران با به دست گرفتن ابتکار عمل، میزبان سران چهار کشور می‌شود تا همکاری در مسیر کنترل تهدیدات ناشی از استقلال کردها را بررسی نماید. در این میان، شیطنت ترکیه در استان‌های جنوب شرقی خود، به تحریک پ.ک.ک منجر شده و در نتیجه جریان‌های کردی در سوریه و ترکیه نیز در مورد آینده خود ابراز نگرانی می‌کنند. روسیه از طرح پیشنهادی ایران برای لغو نتایج همه پرسی و ایجاد یک سازوکار جدید برای اداره کردستان عراق حمایت می‌کند. که البته در بلندمدت شرایط کمی نگران کننده می‌شود، چراکه با تشدید همگرایی کردهای منطقه، موجی از کارشکنی و ناامنی در گوشه و کنار این چهار کشور رخ خواهد داد که برای هیچ یک از آنها مطلوب نخواهد بود.

آینده بدیل دوم: اگر دولتمردان کشورهای دارای اقلیت کرد با سرعت عمل بالا بتوانند به یک ائتلاف راهبردی در مقابل استقلال کردستان عراق دست پیدا کنند، هزینه به رسمیت شناختن این اقلیم به مثابه یک واحد سیاسی مستقل برای دیگران بالا می‌رود. با این حال، اصلاً بعید نیست که دولت‌های اروپایی وارد این بازی دیپلماتیک شوند. در این صورت، ترکیه، ایران و تا حدودی سوریه باید آرامش را به مناطق کردنشین داخلی تزریق کنند. تقاضای سران اقلیم برای ایجاد یک جبهه عملیاتی مشترک برای استقلال کل کردهای منطقه، با مخالفت از سوی کردهای سوریه و ایران همراه می‌شود. دلخوری کردهای عراقی نیز از تندروی سران خود به تغییر رویکرد سیاسی آنها و در نتیجه، احتمالاً انتقال قدرت در اقلیم کردستان به نسل جدید نخبگان سیاسی کرد می‌شود. در نتیجه، موضوع استقلال اقلیم به کلی متفی خواهد شد.

آینده بدیل سوم: در این حالت کردهای منطقه دست یاری به سوی بارزانی و اقلیم عراق دراز می‌کنند. ترکیه که تاب تحمل این شرایط را ندارد، با بستن مرز با عراق، عملیات وسیع نظامی و اطلاعاتی علیه پ.ک.ک ترتیب داده و حتی پا را فراتر می‌گذارد و از مرزهای شمالی عراق عبور می‌کند. بغداد و اربیل به شکل جداگانه به آنکارا هشدار می‌دهند. در این میان تهران، طرفین را به خویشتن داری دعوت می‌کند که با بی توجهی از سوی اربیل و آنکارا همراه می‌شود. روسیه که در مورد استقلا طلبی مناطق خودمختار خود، پرونده کریمه و یا شمال گرجستان رویکردهای مختلفی داشته است، تمایل خود را برای به دست گرفتن ابتکار عمل در موضوع کردها نشان

می دهد.

آینده بدیل چهارم: آینده بدیل چهارم به طور کلی چندان پایدار نیست. شناسایی اقلیم کردستان به عنوان یک واحد سیاسی مستقل از سوی کنش‌گران فرامنطقه‌ای اگر به تکاپوی ناشی از سراسیمگی چهار کشور دارای اقلیت کرد منجر شود، فرصت ایجاد همگرایی و اشتراک در برنامه‌ها از میان می‌رود. اگر در کنار این شرایط جریان‌های کردی منطقه نیز دچار حرکات شتاب‌زده شوند، احتمالاً شرایط پیچیده‌ای بر سوریه حاکم خواهد شد.

آینده بدیل پنجم: در پنجمین سناریو نیروهای کرد منطقه به سمت حمایت از اربیل پیش می‌روند. حمایت یگان‌های خلق در سوریه و پ.ک.ک در ترکیه از تیم بارزانی به صورت هشدار در نظام دیدبانی دستگاه دیپلماسی ایران و عراق مشاهده می‌شود. در نتیجه تأکید وزارت خارجه بر تمامیت ارضی عراق و دعوت طرفین به مذاکره با چراغ سبز اردوغان و حیدرالعبادی همراه خواهد شد.

آینده بدیل ششم: شاید بهترین وضعیت برای کشورهای دارای اقلیت کرد در غرب آسیا این سناریو باشد. زیرا در این مورد، نه تنها انسجام میان ایران، ترکیه، سوریه و عراق بالاست، بلکه افتراق در جریان کردی به قدری است که نمی‌توانند برای پیشبرد هدف نهایی خود یعنی تشکیل یک واحد سیاسی کردی در منطقه هیچ اقدامی کنند. افزون بر این موارد، نباید فراموش کرد که قدرت‌های بزرگ با توجه به تعامل بالا با بغداد، آنکارا، دمشق و تهران علاقه دارند مسئله کردی را به آینده موکول کنند.

روسیه با اعمال نفوذ در کردهای سوریه، مذاکرات جریان‌های کردی را از مسیر آرام خارج می‌کند. حشدالشعبی و ارتش نیز در احیای امنیت کرکوک فعال شده و ایران و ترکیه مانور مرزی مشترک انجام می‌دهند. این فضا کردها را منزوی تر کرده و نقاط ضعف راهبردی این جریان را آشکار خواهد کرد.

آینده بدیل هفتم: محتمل است که اتحادیه اروپا مسئله استقلال کردها را جدی بگیرد. آنها برای شبیه‌سازی مسئله استقلال کاتالونیای اسپانیا، سعی در میزبانی آمریکا و روسیه برای بررسی استقلال احتمالی کردها خواهند داشت. ایالات متحده در دوراهی سختی قرار می‌گیرد، از یک سو، علاقه‌مند است بحران غرب آسیا را از رژیم صهیونیستی به مسئله کردی انتقال دهد، و از سوی دیگر با این اقدام پایگاه خود در ترکیه و عراق را از دست داده و عملاً یک ائتلاف

راهبردی همسو با روسیه را در برابر دیدگانش خواهد دید. بنابراین، تلاش غرب برای رسمیت دادن به استقلال اقلیم نیز با شکست روبرو می‌شود.

آینده بدیل هشتم: این سناریو نیز از مطلوبیت نسبتا بالایی برخوردار است. دلیل اصلی این مطلوبیت در شکاف داخلی در گروه‌های کردی است. هنگامی که اشتراکات هویتی کردها کمتر از اختلافات در منافع و ادبیات سیاسی آنها باشد، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که تجربه و پختگی لازم برای تشکیل یک واحد سیاسی مستقل و فعال‌سازی دیپلماسی مثبت در قبال دیگر گروه‌های کردی در اقلیم خودمختار کردستان عراق به وجود نیامده است.

گام هشتم؛

ارزیابی سناریو: بی‌تردید مطلوب نهایی ایران در پرونده کردهای عراق، حفظ تمامیت ارضی ایران، حفظ شأن و مقام کردهای ایران و ثبات در مرزهای ایران و هم‌پیمانان آن است. با این حال، در سناریوهای مختلف، این مطلوب، از نظر تاکتیکی دچار برخی دگرگونی‌ها خواهد شد. بر اساس نظرات کارشناسی صاحب‌نظران، آینده بدیل سوم (شناسایی، ناهمسو، همگرایی) وضعیت قرمز قلمداد خواهد شد یعنی زمانی که موضوع خودمختاری اقلیم کردستان عراق از سوی قدرت‌های جهانی شناسایی و مورد حمایت قرار می‌گیرد و در برابر آن کشورهای دارای قوم کرد با توجه به منافع خود در منطقه و رویکرد قدرت‌های جهان به آنها، دیدگاهی همسو نداشته و باعث ایجاد تنش منطقه‌ای می‌شود و در برابر آن آینده بدیل ششم (عدم شناسایی، همسو، واگرایی) وضعیت سبز یا مطلوب قلمداد می‌شود یعنی زمانی که موضوع خودمختاری اقلیم کردستان عراق از سوی قدرت‌های جهانی شناسایی شده است اما به دلیل عدم هم‌نوایی جامعه جهانی و تأمین نشدن منافع کشورهای دارای قدرت در منطقه، مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.

گام نهم؛

بازخوردگیری و بازنگری: ایران با تاریخی هزاران ساله، دارای استقلال کامل و هویتی منسجم بر اساس یک اکثریت ملموس می‌باشد، اما سرزمین عراق یا بخشی از یک امپراطوری بزرگ‌تر بوده و یا خود از چندین واحد سیاسی تشکیل می‌شده است. نسبت جمعیتی میان اقوام، زبان‌ها و مذاهب نیز در این کشور به گونه‌ای است که هویت ملی و فرآیند دولت - ملت سازی بسیار شکننده و ضعیف به نظر می‌رسد. در نتیجه، حفظ اتحاد و یکپارچگی در چنین کشوری بسیار

پیچیده خواهد بود.

استقلال کردهای این کشور نیز با وجود حرف و حدیث های بسیار از احتمال قابل توجهی برخوردار است. به این معنا که ارزش مطالعه، سناریوپردازی و افزایش آمادگی داخلی برای مدیریت آینده را دارد. بر همین اساس، در این گزارش نه تنها عوامل مؤثر و کنشگران حاضر در معادلات عراق بررسی شدند، بلکه سناریوهای هشت گانه نیز برای آنها ترسیم شد. در این میان، اگرچه سناریوی ششم بهترین گزینه برای تهران و حتی دیگر دولت‌های دارای اقلیت کردی بود، اما این موضوع نباید دلیل بر سهل انگاری سیاست مداران و تصمیم سازان شود.

۶. لیست پیامدهای امنیتی حاصل جمع صاحب‌نظران

پس از شناسایی عوامل مؤثر داخلی و خارجی در شکل‌گیری خودمختاری اقلیم کردستان عراق، پیشران‌های مؤثر و نقش و اهداف هر کدام، عدم قطعیت‌ها و امتیازدهی به هر کدام بر اساس نظر صاحب‌نظران و پس از این مراحل که ذکر شد تشکیل میز خبرگی و هم‌اندیشی به منظور بررسی نهایی نظرات به دست آمده از صاحب‌نظران در خصوص پیامدهای امنیتی شکل‌گیری خودمختاری اقلیم کردستان، در پایان برابر شرح ذیل تعداد یازده مورد اساسی و مشترک پیامدهای امنیتی شکل‌گیری خودمختاری اقلیم کردستان عراق مؤثر بر پیشران‌های داخل و خارج منطقه از هم‌اندیشی صاحب‌نظران به دست آمد:

- ۱- تشکیل یک کشور جدید در منطقه می‌تواند ذهن‌ها را از فلسطین اشغالی منحرف و به دولت کردستان مستقل منتقل کند.
- ۲- احزاب اپوزیسیون کرد ایران که تا کنون به بهانه حفظ استقرار اقلیم کردستان در دو دهه اخیر کمتر فعالیت داشته‌اند از این پس بیشتر به حفظ مواضع خود دعوت می‌شوند.
- ۳- همسایگی استراتژیک کردستان عراق با ایران، دستگاه‌های امنیتی اطلاعاتی اسرائیل را به کنار مرزهای ایران می‌کشاند.
- ۴- تشدید اختلافات قومی و مذهبی (شیعه و سنی)، سناریوی موفق‌تری برای ایجاد و دامن زدن به تحریکات منطقه خواهد بود.
- ۵- احتمال تجزیه عراق به چند کشور مستقل که می‌تواند به محلی برای بازیگری رقبای منطقه‌ای ایران تبدیل شود که این کاملاً مخالف استراتژی ایران، که خواهان خروج قدرت‌های خارجی از منطقه است.

- ۶- افزایش تهدیدات بالقوه جریانات کردی ضد ایرانی و تبدیل به بالفعل شدن با حمایت حکومت اقلیم از آن‌ها، که ناامنی مناطق مرزی را به دنبال خواهد داشت.
- ۷- احتمال وقوع جنگ در منطقه میان کردها و دولت مرکزی عراق می‌تواند امنیت ایران را تهدید کند.
- ۸- تیرگی روابط ایران و کردهای عراق باعث بستن مرزهای مورد اشاره خواهد شد و این مسئله با توجه به نبود کارخانجات و شهرک‌های صنعتی در مناطق مرزی ایران و معضل بیکاری در منطقه، زیان‌های اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.
- ۹- از سرگیری اجرای پروژه داعش توسط رژیم صهیونیستی و تصرف شهرها به دلیل جنگ بین عراق و کردها، که می‌تواند باعث تضعیف دولت مرکزی عراق و گسترش به مناطق مرزی ایران شود.
- ۱۰- ایجاد فرصت برای حضور و فعالیت سازمان منافقین در جدار مرزهای ایران.
- ۱۱- استقلال کردستان عراق می‌تواند مقدمه فروپاشی عراق واحد شود و تشکیل چند کشور مستقل کوچک و ضعیف می‌تواند پیش‌برنده طرح تقسیم خاورمیانه برای قدرتمند نمودن اسرائیل باشد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به تشریح هشت سناریوی محتمل در خصوص موضوع خودمختاری اقلیم کردستان عراق و امتیازبندی بین آنها بر اساس نظرات کارشناسی صاحب‌نظران، دو آینده بدیل یا سناریوی سوم و ششم شامل بهترین شرایط برای اعلام خودمختاری و بدترین شرایط برای اعلام و تحقق خودمختاری اقلیم کردستان مشخص شده است.

در آینده بدیل سوم، کشورهای قدرتمند جهانی، موجودیت و استقلال‌طلبی اکراد را یک حق مسلم شناخته و کشورهای دارای این اقلیت‌ها نیز برای جلوگیری از استقلال ایشان توافقی با یکدیگر ندارند و از سوی دیگر، اکراد منطقه برای رسیدن به استقلال همگرا می‌باشند. در این شرایط بهترین موقعیت برای اعلام و اجرای خودمختاری اقلیم کردستان عراق است. در این شرایط پیامدهای امنیتی غیرقابل جبرانی برای کشور و مناطق مرزی ایران ایجاد خواهد کرد که مهمترین آنها حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در نوار مرزی در پوشش گروه‌های کردی، تجهیز گروه‌های کردی به تجهیزات روز دنیا، افزایش تحرکات گروه‌های کردی با پشتوانه قدرت‌های

منطقه در نوار مرزی، درگیری‌های سنگین با نیروهای مرزی در جوار مرز با تحریک و راهبرد نیروهای فرامنطقه‌ای، افزایش ترددات مرزی کردهای سایر مناطق به منظور حضور در منطقه خودمختار کردی، نفوذ جاسوسان سرویس‌های اطلاعاتی در منطقه و حضور هدفمند آنها در شهرها و روستاهای مرزی، احتمال ترور افرادی که همکاری اطلاعاتی و پشتیبانی با جامعه اطلاعاتی دارند، ایجاد آشوب و اغتشاشات در داخل شهرها در راستای ایجاد خسارت و کاهش خدمات عمومی دولت به مردم، فراخوان در فضای مجازی به منظور تحریک مردم جهت برای تجمعات حمایتی از خودمختاری اقلیم کردستان، اقدامات ناهماهنگ کشورهای دارای قوم کرد که بعضاً باعث صدمه به هم می‌شود و غیره که به این چنین مواردی به نوعی در پژوهش‌های انجام شده قبلی نیز مانند تحقیقات گروه روابط بین‌الملل ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی (۱۳۹۵)، روحی (۱۳۹۳)، نصری و رضایی (۱۳۹۲)، حافظ نیا (۱۳۹۱) و نامی و محمدپور (۱۳۸۷) اشاره شده است.

در آینده بدیل ششم موضوع خودمختاری اقلیم کردستان عراق از سوی قدرت‌های جهانی به رسمیت شناخته نشده و به دلیل عدم هم‌نوایی جامعه جهانی و تأمین نشدن منافع کشورهای دارای قدرت در منطقه مورد حمایت قرار نمی‌گیرد و در برابر آن کشورهای دارای قوم کرد دارای دیدگاه مخالف خودمختاری اقلیم کردستان عراق و در این نظر همسو هستند اما گروه‌های کردی منطقه اقلیم کردستان عراق بر سر موضوع چگونگی انتقال قدرت در این منطقه دچار اختلاف و دارای جهت‌گیری مثبت و رویکرد همگرایی نیستند. که می‌تواند مطلوب ترین سناریو برای عدم تحقق خودمختاری اقلیم کردستان عراق می‌باشد. با توجه به عدم حمایت و همراهی کشورهای قدرتمند از موضوع و عدم همگرایی گروه‌های کردی در اجرای طرح کردستان بزرگ، شانس موفقیت کشورهای دارای قومیت کرد به دلیل داشتن نظر همسو و هماهنگ در برخورد با موضوع بسیار زیاد است. این سناریو با مطالبی که در تحقیقات پیشین مانند خیری (۱۳۹۶)، قربانی و قدیمی (۱۳۹۰) و صالح و برندالیری (۱۳۸۳) آورده شده است، مطابقت دارد.

پیشنهادات

با عنایت به این که یافته‌های تحقیق وضعیتی را مطلوب جمهوری اسلامی ایران می‌داند که کشورهای دارای قوم کرد در دیدگاهی مشترک، مخالف خودمختاری اقلیم کردستان باشند و گروه‌های کردی منطقه اقلیم کردستان عراق بر سر موضوع چگونگی انتقال قدرت توافقی نداشته

باشند بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای مهیا کردن این بستر یا حفظ شرایط مطلوب:

- در خصوص کنترل ترددات مرزی گروه‌های نژادپرستانه پانکریسم، با کشورهای منطقه همکاری‌های هدفمند و کاربردی انجام شود.
- فضای مجازی به عنوان بستری برای فعالیت گروهک‌های ضد انقلاب و قوم‌گرای کردی می‌باشد، به همین منظور لازم است کنترل و رصد فضای مجازی در راستای کنترل هدفمند کانال‌های ضد انقلاب با جدیت دنبال شود.
- پیشنهاد می‌گردد برای مقابله مؤثر و کارآمد با معاندین و جدایی‌طلبان تفاهم‌نامه‌های امنیتی منعقد گردند.
- به منظور اجرا و بهره‌مندی از فواید عملیات روانی، اهداف و چهره‌های افراد القاکننده حس ناامیدی و معارضان جدایی‌طلب افشا و بازگویی گردد.

منابع

- برزگر، کیهان. (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار.
- بیلیتس، جان و استیو اسمیت. (۱۳۸۸)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۱)، تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۸۳ (۴)، صص ۳۶ - ۵.
- حافظی، رضا. (۱۳۹۳)، راهنمای سناریو نگاری براساس مقاله ای از پی شاپ، سایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ج.ا.ایران. www.bpums.ac.ir/>xfiles>File>tagso
- حق پناه، جعفر. (۱۳۸۷)، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خالقی نژاد، مریم. (۱۳۹۷)، چالشها و سناریوهای پیش روی داعش در عراق، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC). Peace-ipsc.org/fa/
- خیری، مصطفی. (۱۳۹۵)، مسئله کردها و روابط جمهوری اسلامی ایران با ترکیه، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین‌المللی، ۴۶ (۷)، صص ۱۰۹ - ۸۰.

- روحی، نبی اله. (۱۳۹۳)، استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۲۴ (۷)، صص ۱۵۰ - ۱۰۷.
- ساجدی، امیر. (۱۳۸۹)، تأثیر فدرالیسم کردستان عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشنامه*، ۸۰ (۲)، صص ۸۰ - ۵۷.
- علیزاده موسوی، سیدمهدی. (۱۳۹۱)، *جریان شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام*، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- قربانی شیخ نشین، ارسلان و اکرم قدیمی. (۱۳۹۱)، راهبرد سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق، به راهبرد سیاست خارجی آمریکا در عراق، *فصلنامه راهبرد*، ۲۱ (۶۲)، صص ۸۲ - ۵۵.
- قلیزاده زاوشتی، مهدی. (۱۳۹۴)، کاربرد سناریو در بحران‌های سیاسی و امنیتی، *فصلنامه مدیریت بحران*، ۷ (۲۵)، صص ۱۴۰ - ۱۱۳.
- کریمی، هاشم. (۱۳۸۹)، اثر ژئوپولیتیک کردستان عراق بر وضعیت سیاسی کردهای عراق، *پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم سیاسی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی
- کسایبی، رقیه و رضا طلایی. (۱۳۹۳)، جستاری بر آینده پژوهی در مرزبانی ناجا و ارائه مدل مفهومی، *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، ۴ (۵)، صص ۱۵۷ - ۱۲۱.
- مرادیان، محسن. (۱۳۸۸)، *تهدید و امنیت (تعاریف و مفاهیم)*، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی ارتش ج.ا.ایران.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴) *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- منتظران، جاوید. (۱۳۹۵)، آینده پژوهی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر تحولات ژئوپلیتیکی، *تمامیت ارضی و بحران‌های داخلی عراق*، *مجله سیاست دفاعی*، ۲۴ (۹۷)، صص ۱۴۴ - ۱۱۵.
- میتزرنر، دانا و گودیو ریگر. (۱۳۸۸)، *سناریونویسی و رویکردهای متفاوت آن*، ترجمه مسعود منزوی و علیرضا عمادلو، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- میرعرب، مهرداد. (۱۳۷۹). نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی*، سال سوم - شماره نهم - تابستان ۷۹، ۱۳۳-۱۴۲.
- نامی، محمدحسن، علی محمدپور و محمدرضا احمدی. (۱۳۸۷)، *جغرافیای کشور عراق با تاکید بر مسایل ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

نجفی، علیرضا و پورمنافی، ابوالفضل. (۱۳۹۶)، آینده پژوهی و مدیریت دانش اطلاعاتی، تهران: دانشکده علوم و فنون اطلاعات و آگاهی، دانشگاه علوم انتظامی امین.
نصری، قدیر و داود رضایی. (۱۳۹۲)، امکان سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی امنیت پژوهشی، ۴۴ (۱۲)، صص ۵۶ - ۲۹.

Berendan Oleary & John McGarry & Khaled Saleh. (2005), *The Future of Kurdistan in Iraq*, Philadelphia, University of Pennsylvania, 298 pages.
Jervis, Robert (1999). "Realism, Neoliberalism, and Cooperation". *International Security*.